

**The path of salvation of the agents of the Islamic system from the point of
view of Imam Ali (AS)**

Abstract

In this research, the view of Amir al-Mo'menin Imam Ali (AS) on the prevention of moral, socio-political and economic harms of the agents of the Islamic system is explained. Ali (pbuh) in the Alawite's discourse and in this field, the orders and rulings of the government have been proposed and the program has been endowed, but time and structure have remained. This scientific consequence seeks a show that causes the strengthening and consolidation of the Islamic system of the province. Until the end of the treaty, and the basis of the rule of our Islamic system, he is in the nation of Hazrat Mahdi (pbuh). After proper research and referring to Nahj al-Balaghah, the results were obtained that Hazrat Rasool Akram (PBUH) in Prophetic system and Hazrat Ali (AS) in the Alawite system and in our time full of pure Imams (AS) regarding the prevention of pests and injuries and negative dimensions of the agents of the Islamic system in the epistemological and moral dimension of authoritarianism, superficiality, correct thinking, the cause of rigidity, worldliness Arrogance and tyranny, and in the social dimension of distress, the taste of work with negligence, and in the economic dimension of bribery, Hatlam, Abhfar and Talebi, property owners, the infallibles, peace be upon them all, have had orders and prohibitions, recommendations and guidelines. For example, with a ladyly and wise look at the scientific and practical-social-political-economic life of the Ahl al-Bayt, infallibility and chastity, and the manner and sports and performance of the officials of this government in announcing Islam have been widely established. Certainly, by following the example of the infallibles, the agents will be able to provide logical, honest and sincere services in accordance with the values of the system based on divine values and in accordance with dignity. Inshallah.

Keyword: government, ruler, Brokers , Islamic system, Imam Ali (AS), Nahj Al-Balaghah, Prevention, Encounter

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۶۰۹-۲۶۲۲
<https://doi.org/10.30510/psi.2022.292940.1917>

مسیر رستگاری کارگزاران نظام اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

جلیل آل بوغیش^۱

سید حسام الدین حسینی^۲

حسن حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

در این پژوهش به تشریح دیدگاه امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) پیرامون پیشگیری از آسیب های اخلاقی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی کارگزاران نظام اسلامی پرداخته شده است و به این پرسش اساسی که آیا امام علی (ع) در نظام علوی و در این عرصه دستورات و احکام حکومتی، طرح و برنامه، واجد سازمان و سازماندهی بوده است؟ این تتبع علمی به دنبال غایتی است که موجبات تشدید و تحکیم و استواری نظام اسلامی ولایی است که قاعداً بایستی ممهّد و زمینه‌ساز حاکمیت نظام اسلامی مهّدوی به قیادت حضرت مهدی (عج) می‌باشد، بحمد الله پس از تحقیقات مقتضی و مراجعه به نهج البلاغه نتایج حاصل گردید که حضرت رسول اکرم (ص) در نظام نبوی و حضرت علی (ع) در نظام علوی و در زمان سایر ائمه اطهار (ع) در خصوص پیشگیری از آفت‌ها و آسیب‌ها و ابعاد منفی کارگزاران نظام اسلامی در بعد معرفتی و اخلاقی؛ استبداد رأی، سطحی نگری، تفکر ناصحیح، تحجر و جمود فکری، دنیا دوستی، تکبر، ستمگری و در بعد اجتماعی؛ ضعف مدیریت، سازش کاری، بی‌توجهی به اصل مشورت و در بعد اقتصادی؛ رشوه‌خواری، اختلاس، انحصار طلبی، اشرافی‌گری، معصومین سلام الله علیهم اجمعین، اوامر و نواهی، توصیه‌ها و رهنمودهایی داشته‌اند. مثلاً با نگاهی عالمانه و حکیمانه در حیات علمی و عملی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی اهل بیت عصمت و طهارت شیوه و روش و عملکرد مسئولین امر حکومت در نظام اسلامی به طور گسترده تبیین شده است، قطعاً کارگزاران با نصب العین قرار دادن سیره و سنت معصومین خواهند توانست با ارائه خدمات مدبرانه، خالصانه و صادقانه عدالت محور فراخور شئون نظام مبتنی بر ارزش‌های الهی و متناسب با منزلت امت اسلامی مسیر رستگاری دنیا و آخرت را تحصیل خواهند کرد. ان شاء الله.

واژه‌های کلیدی: حکومت، حاکم، کارگزاران نظام اسلامی، امام علی (ع)، نهج البلاغه، پیشگیری، مواجهه

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، j.al13371337@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، shesamhosseini@yahoo.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، dr.hasanheidari@yahoo.com

۱. مقدمه

کارگزاران نظام اسلامی از مهمترین ارکان اجتماعی، سیاسی هر نظام حکومتی هستند که به دلیل موقعیت ویژه در معرض آفت‌ها و آسیب‌های فراوانی قرار دارند. شناسایی این آسیب‌ها و راهکارهای پیشگیری و مواجهه با آنها از قضایای حائز اهمیت در تفکر سیاسی است. آسیب‌شناسی کارگزاران در نظام سیاسی دین مبین اسلام در دوران پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و حضرت امام علی (ع) توسط این شخصیت‌های الهی مورد توجه قرار گرفته است. تقسیم‌بندی راهبردی که در این مقاله ایفاء شده، هم جنبه معرفتی و اخلاقی و هم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به سبب منزلت ویژه کارگزاران نظام اسلامی دارد. آنچه مهم و راهگشاست رویکرد امیرمؤمنان علی (ع) در دوران حاکمیت است که می‌تواند الگو و راهنمای مناسبی برای کارگزاران حکومت اسلامی باشد. از این رهگذر در این تحقیق راهکارهای پیشگیری و شیوه‌های مواجهه با ابعاد سلبی کارگزاران حکومت با توجه دایمانه به آئین زمامداری علوی ارائه می‌شود. در این اثر علمی تلاش شده که به سؤالات ذیل جواب مستوفی ارائه گردد.

۱. روش‌های پیشگیری از آفت‌ها و خصلتهای منفی کارگزاران نظام اسلامی کدام است؟

۲. شیوه‌های مواجهه حاکمان و مقامات بلند پایه نظام اسلامی با آسیب‌های حکومت چیست؟

تدوین‌کننده پس از مطالعه مقتضی و مراجعه به منابع اصیل به نتایج ذیل الذکر دست یافتم:

الف: مهم‌ترین نشانه‌های آسیب‌زای فردی و اجتماعی کارگزاران حکومت عبارت است از: رواج روحیه تملق در اطرافیان، حب مال و مقام، رابطه‌گرایی، تساهل نسبت به نزدیکان، سستی در التزام به اصول اسلامی و عدم رعایت ضوابط استفاده از منابع عمومی

ب: مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد آسیب‌های کارگزاران حکومت با عنایت به تعالیم علوی، عبارت است از:

عجب، پیروی از هوای نفس، ضعف شخصیت، کینه‌ورزی، طمع، عدم تخصص و خبرویت، زیاده‌خواهی و وابستگی‌های گروهی و قومی که به یکی از دو منشأ درونی و بیرونی نسبت دارند.

ج: اهم پیامدهای ناگوار آسیب‌های فردی و اجتماعی کارگزاران حکومت عبارت است از: خودشیفتگی، انحراف از حق، فقدان بیش صحیح به مسائل، سپردن زمام امور به اشخاص بی‌صلاحیت، سازش‌کاری، زیر پا گذاشتن حدود الهی، ایجاد ترس و وحشت در جامعه، پراکندگی و فاصله گرفتن مردم از حکومت، تخریب ارزش‌های اعتقادی، ویژه خواری و نارضایتی‌هایی که به نافرمانی‌های اجتماعی منجر می‌شود.

د: عمده روش‌های پیشگیری از ابعاد سلبی کارگزاران حکومت عبارت است از:

۲. کارگزاران

واژه کارگزار را می‌توان مترادف کارمند دولت دانست که از سوی مسئولان حکومت یا نمایندگان آنان برگزیده می‌شود و استانداران، فرمانداران، گردآوران زکات و مالیات و نیز دیگر افرادی را که حاکم تعیین می‌کند در بر می‌گیرد. کسی که در دولت اسلامی مسئولیت خطیری را برعهده می‌گیرد و در واقع به طرق قانونی و شرعی از سوی حکومت و مردم بر مسند و منصب می‌رسد. در نظام اسلامی و مردم سالاری دینی ایران علاوه بر کارگزاران سابق الذکر، شامل: سطوح رؤسای قوای سه‌گانه، وزراء و معاونین وزراء، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و غیره می‌باشد. در نظام اسلامی وظایف امام در زمان غیبت کبری به ولی فقه به عنوان نایب امام تفویض و واگذار می‌شود که نخبه‌ترین فرد و شایسته‌ترین شخص برای اداره جامعه است تا اسلام و مبانی دینی که در قانون اساسی و قوانین

جاری کشور درج گردیده پیاده شود. در این راستا گزینش کارگزار از سوی حاکم اسلامی با شرایط و ویژگی‌هایی همراه است که باید با کار او تناسب داشته باشد.

دوام و قوام حکومت‌ها قبل از هر چیز به نقش کارگزاران حکومتی بستگی دارد و استقرار حکومت به ویژه با ملاک‌های دینداری و عدالت بدون کارگزاران شایسته عملی نخواهد بود. اهمیت تبیین شاخص‌های کارگزاران از دیدگاه حضرت علی^۷ را می‌توان به این صورت توضیح داد که در اندیشه حضرت علی^۷ هیچ خطری برای جامعه اسلامی، همچون خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهمیت یا کم صلاحیت نیست. آن حضرت در نامه‌ای به مصریان که به مالک اشتر فرستاده هنگامی که او را به حکومت آن سرزمین گمارد، چنین هشدار داده است: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند.

۳. نظام اسلامی

جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. بر این اساس ویژگی‌های حکومت دینی عبارتند از:

۱- دین باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی. ۲- تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری). ۳- دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی‌تابد (نظام دینی). ۴- در حکومت دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری) ۵- چنین حکومتی قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).^۱ حکومتی که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، حکومت دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای حکومت اسلامی نام برد: ۱- افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲- کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

۱-۳. پیشگیری از استبداد رأی

با بهره‌گیری از آموزه‌های امام علی^۷ روش‌های زیر برای پیشگیری از استبداد رأی کارگزاران حکومت قابل ارائه است:

۱. تأکید بر مشورت خواهی و بیان نتایج آن برای کارگزاران حکومت

"مشورت یکی از اصول مورد تأکید تعالیم معصومین^۳ است."^۳ مسئولان و مدیران باید با بیان نتایج مشورت خواهی، کارگزاران را به بهره‌گیری از نظرات مفید تشویق کنند.

نتایج مشورت خواهی بر اساس تعالیم علوی عبارت است از:

الف) دانش افزایی

"حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَيْهِ رَأْيَهُ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَيَجْمَعَ إِلَيْهِ عِلْمَهُ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ."^۴

حقی برعهده عاقل است که رأی عقلاء را بر رأی خود اضافه کند و علوم حکماء را با علم خود جمع نماید.

۱- شاکرین، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰-۲۱.

۲- (آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۵۵)

۳- (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۲)

"الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالِهِ الرَّأْيُ، وَالرَّأْيُ بِتَخْصِيصِ الْأَسْرَارِ." ^۱

پیروزی، در دوران‌دیشی است و دوران‌دیشی، در به کار انداختن رأی و به کار انداختن رأی، در نگاه داشتن اسرار است.

ج) شناخت جنبه‌های مختلف یک موضوع یا مسئله؛

"اضْمُمُ آرَاءَ الرِّجَالِ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ اخْتَرِ أَقْرَبَهَا إِلَى الصَّوَابِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ الْإِرْتِيَابِ." ^۲؛

آرای مردان را به هم پیوند و نزدیک‌ترین آنها را به صواب و صلاح و دورترین آنها را از شک و تردید برگزین.

د) انتخاب بهترین و مناسب‌ترین تصمیم؛

"مَا اسْتَنْبَطَ الصَّوَابُ بِمِثْلِ الْمَشَاوِرَةِ." ^۳

راه و تصمیم درست، از هیچ راهی بهتر از مشورت به دست نمی‌آید.

ه) ایمنی از لغزش؛

"مَا ضَلَّ مِنْ اسْتِشَارٍ." ^۴

هر کس مشورت کند، گمراه نشود.

و) ایمنی از هلاکت؛

"مَا عَطِبَ أَمْرٌ أَسْتَشَارَ." ^۵

کسی که مشورت کند، هلاک نمی‌شود.

ز) رهایی از پشیمانی؛

"شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمِنِ الزَّلَلَ وَالنَّدَمَ." ^۶

با خردمندان مشورت کن تا از لغزش‌ها و پشیمانی‌ها ایمن گردی.

۳-۲. مشورت حاکمان با زیردستان در اداره امور

در قرآن کریم بر لزوم انجام مشورت تأکید شده است. ^۷ پیامبر اکرم α در انجام کارهای مهم با یاران خود مشورت کرده و پس از جمع بندی آرا نسبت به آنچه درست بود، تصمیم می‌گرفتند.

امام علی ^۷ نیز در زمامداری خود در جایگاه‌های مختلف با یاران و صاحب‌نظران مشورت می‌کردند. ایشان در خطاب به مرزبانان، یکی از حقوق مردم بر حاکم را مشورت در کارها دانسته، فرمودند:

"أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَ لَا أُطْوَى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَ لَا أُؤَخَّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَ لَا أُفَفَّ بِهٍ دُونَ مَقْطَعِهِ وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً." ^۸

بدانید حق شما بر من است که چیزی را از شما جز اسرار جنگ پنهان ندارم و کاری بی مشورت شما مگر در احکام الهی انجام

^۱ - نهج البلاغه، حکمت ۴۵

^۲ - همان، حکمت ۱۶۴

^۳ - همان، حکمت ۲۰۲

^۴ - (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲)

^۵ - (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۱)

^۶ - (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲)

^۷ - (شوری: ۳۷ و ۳۸)

^۸ - (فاقق، ۱۳۹۷، ص ۲۵)

ندهم و هیچ حقی از شما را از موضعش به تأخیر نیندازم و تا آن را به جایش نرسانم باز نایستم و این که همه شما نسبت به حق نزد من مساوی باشید.

۳-۳. تأکید بر مقابله با تملق و چاپلوسی اطرافیان

"در روایات معصومین β به شدت از تملق و چاپلوسی نهی شده است."

حضرت علی γ در پرهیز از تملق گویی، خطاب به مالک اشتر فرمودند:

"به آنها بیاموز و عادتشان ده که برای تو چاپلوسی نکنند و تو را برای کارهایی که انجام نداده‌ای بیهوده خوشحال نسازند؛ زیرا چاپلوسی زیاد موجب طغیان و نخوت انسان می‌گردد و او را وادار به سرکشی می‌کند."

۳-۴. بررسی عمیق مسائل توسط حاکمان

"امام علی γ در جایگاه‌های مختلف با دقت نظر و بر اساس تحلیل شرایط عمل می‌کردند. وقتی جریر بن عبدالله نماینده امام γ برای بیعت گرفتن از معاویه به شام رفته بود و یاران ایشان γ دانستند که معاویه اطاعت نخواهد کرد، به حضرت γ گفتند که مصلحت در آن است که برای جنگ با مردم شام آماده شویم. حضرت γ آنها را با براهینی از شتاب کردن پرهیز داد^۱ و در بیان دقت نظر خود در تحلیل این موقعیت فرمودند:

"لَقَدْ ضَرَبْتُ أَنْفَ هَذَا الْأَمْرِ وَعَيْنَهُ وَقَلْبْتُ ظَهْرَهُ وَبَطْنَهُ."^۲

همه جوانب این کار را سنجیده و ظاهر و باطن آن را زیر و رو کرده‌ام.

۳-۵. شیوه مواجهه با سطحی‌نگری

برای مقابله و درمان آسیب سطحی‌نگری در راه از آیین زمامداری مولای متقیان γ قابل استنباط است:

۱. آگاهی دادن به ظاهرینان

امام علی γ پیش از هر اقدامی در برابر سطحی‌نگران، آنها را نسبت به جنبه‌های گوناگون مسئله آگاه می‌کردند؛ چنان که برای آگاه کردن ابوموسی از جریان جنگ جمل فرمودند:

"فتنه اصحاب جمل فتنه‌ای نیست که تو آن را آسان پنداری، بلکه مصیبت و درد بسیار بزرگ و سختی است که باید شتر آن را سوار شوی؛ دشواریش را آسان و کوهستانش را هموار کنی (از این پیشامد نمی‌توان غفلت ورزید و آن را آسان پنداشت؛ بلکه باید تلاش کرد تا آتش آن فرو نشیند) پس خودت را مقیدکن."^۳

حضرت γ در ماجرای حکمیت نیز خوارج را از توطئه شامیان آگاه کرده و از ظاهرینی برحذر داشتند؛

"... این کار ظاهرش ایمان است و لکن باطنش دشمنی با خدا و قرآن است. اول آن رحمت و پایان آن پشیمانی است. گفتم به کار خود ادامه دهید و راهی که می‌روید ترک نکنید و برای جهاد با دشمن دندان‌ها را بر هم بفشارید و گوش به فریاد مخالف ندهید که اگر به آن بانگ و صدا جواب مثبت دادید، صاحب صدا شما را گمراه می‌کند و اگر به او اعتنا نکردید، صاحب صدا

۱- (نهج البلاغه، نامه ۵۰)

۲- (همان، نامه ۵۳)

۳- (نهج البلاغه، خطبه ۴۳)

۴- (همان)

۵- (همان، نامه ۶۳)

خوار و زبون می‌گردد.^۱

۲. برکناری کارگزاران سطحی نگر

حاکمان در صورت عدم تغییر رویه کارگزاران در ظاهربینی و بی‌توجهی به رویکرد عمیق مسائل باید آنها را از منصب خود کنار بگذارند؛ چنانکه مولای متقیان^۷ پس از جهت‌گیری‌های نادرست ابوموسی و بی‌توجهی او به رهنمودهای ایشان او را برکنار کردند.^۲

پیشگیری از تفکر ناصحیح

"الف) با توجه به سیره امام علی در دوران زمامداری، روش و شیوه مواجهه با آن و پیشگیری از التقاط فکری عبارت است از: پایبندی قاطع حاکمان و مدیران به اصول و ارزش‌ها و پرهیز از اندیشه‌های باطل و گمراه‌کننده در اداره حکومت؛ این راهکار به رویکرد حاکمان و مسئولان در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی و جهت‌گیری آنان برمی‌گردد.^۳

امام علی^۷ در باره یقین به اهداف و جهت‌گیری روشن و آشکار خود می‌فرماید:

"وَإِنِّي لَعَلِي بَيْنَهُ مِنْ رَبِّي وَمِنْهَاجٍ مِنْ نَبِيِّ وَإِنِّي لَعَلِي الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْقُطْبُ لَقَطًا."^۴

ولی من به راه پروردگارم و سیره پیامبرم حرکت می‌کنم. به راستی که من به روش واضح و روشنی سیر می‌کنم و آن را از راه‌های باطل جدا می‌سازم.

پیشگیری از دنیا دوستی

برای پیشگیری از دنیا دوستی کارگزاران حکومت، با عنایت به آموزه‌های علوی روش‌های زیر قابل ارائه است:

۱. سفارش حاکمان به کارگزاران در مهار و کنترل هوای نفس

ابتدا مسئولان باید خود را از خطا و اشتباه مصون ندانند. امام علی^۷ در این باره می‌فرماید:

"من نه برتر از آن هستم که لغزشی ننمایم و نه در رفتار خود از خطا ایمن هستم؛ مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی مرا کفایت کند که او بر نفس من از خودم تواناتر است."^۵

سپس حاکمان باید با بیان پیامدهای کنترل خواهش‌های نفس، کارگزاران را به مقابله با این آسیب تشویق نمایند.

"حضرت علی^۷ بزرگ‌ترین زمامداران را کسی می‌دانند که بر نفس خویش تسلط داشته باشند" (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ۱۱۶) و در عهدنامه مالک‌اشتر بهترین وزیران را کسانی دانسته‌اند که در پیروی از هوای نفس حکمرانان کمتر آنها را یاری کنند.^۶

"افزون بر این از دیدگاه ایشان نخستین گام در عدالت گستری مهار نفس یا همان عدالت فردی است."^۷

درباره رابطه خردمندی و کنترل مهار نفس در روایتی از امیرالمؤمنین^۷ آمده است:

"الْعَاقِلُ [الْكَامِلُ] مِنْ قَمَعَ هَوَاهُ بَعْقَلَهُ."^۸

خردمند کسی است که با خرد و اندیشه هوای نفس خود را بازدارد.

۱- (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱)

۲- (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ش، ج ۱۴ ص ۱۰)

۳- (فائق، ۱۳۹۷ش، ۳۹)

۴- (نهج البلاغه، خطبه ۹۶)

۵- (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷)

۶- (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۷- (همان، خطبه ۸۶)

۸- (آمدی، ۱۳۷۶ش، ۵۴)

"امام علی ۷ پس از بیان نتایج کنترل نفس از کارگزاران خود می‌خواهند که از پیروی خواهش‌های نفسانی خودداری نمایند." (نهج البلاغه، نامه ۲۷) "از جمله ایشان ۷ به مالک الشتر فرمان می‌دهند که نفس خود را به وقت خواسته‌های بیجا درهم شکنند و از سرکشی بازدارد."^۱

۲. القای تأثیرگذار ناپایداری دنیا و مواهب آن برای کارگزاران علم اخلاق زهد را در مقابل دنیا دوستی می‌داند. "تعالیم علوی نیز زهد را به معنای کوتاه کردن آرزوها، خالص کردن کارها، شکر در برابر نعمتها و پرهیزکاری در برابر گناهان دانسته است."^۲ "زهد در حقیقت به معنای ترک دنیایی است که منشاء همه خطاهاست و از آن در روایات به عنوان اصل و اساس دین یاد شده است."^۳

مولای متقیان ۷ دنیای حرام را که معصیت خدای تبارک و تعالی در آن انجام می‌گیرد، در مقابل آخرت دانسته و تأکید می‌کند که دستیابی به آخرت جز با ترک آن حاصل نمی‌شود.^۴ ایشان ۷ در جایگاه‌های مختلف، همه مردمان، از جمله کارگزاران حکومت را از دنیادوستی برحذر داشته و آنها را به زهدگرایی سفارش کردند.^۵

۳. الگو قرار دادن زهد و ساده زیستی انبیای الهی
 "امام علی ۷ می‌فرمایند: "پیروی کردن از رسول خدا ﷺ برای تو کافی است و برای مذمت دنیا و زشتی‌های آن و فراوانی رسوایی‌ها و بدی‌های آن راهنمای توست. دنیا با همه زر و زیورش از آن گرامی گرفته شد و برای دیگری آماده و هموار گردید. از آن نوشید و از زیورهایش استفاده نکرد" "و اگر می‌خواهی شخص دومی را مقتدا قرار دهی این است موسی کلیم الله - که درود خدا بر او باد - آنجا که گفت: پروردگارا به آنچه به من از خیر عطا کنی نیازمندم. به خدا سوگند چیزی جز نانی که تناول کند از خدا نخواست؛ زیرا مدتی بر اثر نداری، گیاه زمین می‌خورد تا جایی که سبزی گیاه به خاطر لاغری و کمی گوشت در بدنش از پرده نازک شکمش نمایان بود و اگر بخوای نفر سومی را سرمشق خود قرار دهی این است داود - که درود خدا بر او باد - صاحب مزامیر و خواننده اهل بهشت؛ او با دست خویش از لیف خرما زنبیل می‌بافت و به همنشینان خود می‌گفت: "کدام یک از شما مرا در فروختن اینها یاری می‌دهد؟" و از درآمد آن زنبیل قرصی نان جوین می‌خورد و اگر می‌خواهی درباره عیسی ۷ بگو که سنگ را بالش سر قرار می‌داد و جامه زبر و خشن می‌پوشید و غذای غیر لذیذ می‌خورد. نان و خورش او گرسنگی و چراغ شب تارش ماه و سرپناش در زمستان مشرق و مغرب زمین و میوه و سبزی او گیاهی بود که زمین برای چهارپایان می‌رویاند. نه زنی داشت که او را به فتنه و تبهکاری افکند و نه فرزندی که او را اندوهگین سازد و نه دارایی که او

۱- (همان، نامه ۵۳)

۲- (نراقی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۶۲)

۳- (نهج البلاغه، خطبه ۸۰ و ۱۸)

۴- (آمدی، ۱۳۶۶ش، ۲۷۵)

۵- (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۰، خطبه ۱۱۲، و ۱۸۷)

۶- (همان، خطبه ۱۰۲)

۷- (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲ ص ۵۱)

۸- (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)

را (از توجّه به خدا) برگرداند و نه طمعی که او را خوار کند. مرکب او دو پایش و خدمتکارش دو دستش بود. " به پیامبر پاکتر و پاکیزه‌ترت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - اقتدا کن که وجودش برای هر که بخواهد به او اقتدا کند، سرمشق است و برای آن که در زندگی به آن حضرت تسلی جوید، تستی است و محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبر اقتدا کند و قدم جای قدم او نهد. از دنیا به حدّ اقل قناعت کند و دیده بر تماشای آن باز نکند. لاغرترین اهل دنیا و گرسنه‌ترین آنان گرسنه و مشغول کار و کوشش به سر بری و شب را بیدار و درگیر با رنج‌ها به روز آوری و افطارت این باشد». پیشگیری از تکبر

از روایات و سیره معصومین^۱ به ویژه تعالیم علوی، برای پیشگیری از تکبر کارگزاران روش‌های زیر قابل دریافت است:

۱. تذکر و یادآوری سلطنت الهی و سرانجام و معاد آدمی

"کارگزاران حکومت باید با یادآوری حکومت و سلطنت الهی، حقارت و کوچکی خود را در نظر داشته باشند و از تکبر دوری نمایند"، چنانکه مولای متقیان در سفارش به مالک اشتر می‌فرماید:

"هرگاه حکومت برای تو خود بزرگ‌بینی و کبر به وجود آورد، به بزرگی سلطنت خداوند که فوق تو است و قدرتی که بر تو دارد و تو را بر خودت آن قدرت و توانایی نیست، نظر کن، که این نظر کبر و غرورت را می‌نشاند و تندی و شدت را از تو باز می‌دارد و عقل از دست رفته را به تو باز می‌گرداند."^۲

"امام^۳ در سفارشی دیگر، پس از امر به دوری از تکبر و خودپسندی، حساب قبر و قیامت را گوشزد می‌نماید تا فرد در نتیجه اندیشه به پایان و سرانجام کارش که گور و لحد است، از تکبر و فخر فروشی دوری کند."^۴

۲. تأکید حاکمان بر لزوم تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر

"حاکمان و مسئولان باید با سفارش به کارگزاران و زیردستان خود پس از بیان عوامل و پیامدهای تکبر آنها را از این رذیلت اخلاقی برحذر دارند. چنانکه حضرت علی^۵ در خطبه قاصعه، تکبر را مظهر اخلاق جاهلی دانسته که عامل برانگیختن دشمنی‌ها و محل دمیدن شیطان است."^۶ "امام^۷ پست‌ترین حالت‌های حاکمان نزد مردم را حالتی می‌داند که گمان خودستایی و فخر فروشی به آنها برده و از کردارشان، کبر و خودخواهی برداشت شود."^۸

"حضرت در توصیه به همگان، آنها را از عوامل کبر برحذر می‌دارند^۹ و بر لزوم فروتنی و تواضع و کنار گذاشتن تکبر تأکید نموده و فرمودند:

"پس تاج افتخار تواضع و فروتنی را بر سر نهید و بزرگی و خودپسندی را زیر پا افکنید و تکبر و گردنکشی را از گردنهایتان دور سازید و تواضع را همچون مرزی بین خود و دشمنانتان یعنی شیطان و سپاهیان‌ش قرار دهید."^{۱۰}

ایشان^{۱۱} در سفارش به مالک اشتر نیز آشکارا او را از گردنکشی و برخورد آمرانه با مردم که ناشی از تکبر و خودپسندی است، برحذر می‌دارند و می‌فرمایند:

۱- (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۵۲)

۲- (فائق، ۱۳۹۷، ش، ۶۵)

۳- (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴- (همان، خطبه ۱۵۲)

۵- (همان، خطبه ۲۳۴)

۶- (همان، خطبه ۲۰۷)

۷- (همان، خطبه ۲۳۴)

۸- (همان، ۷۸۲)

"و در گفتارت نگو که من را امیر کرده‌اند، فرمان می‌دهم، پس مرا اطاعت کنید که این روش سبب فساد دل و کاهش و ضعف دین و نزدیک شدن زوال قدرت است."^۱

"امام ۷ خطاب به مخنف بن سلیم که کارگزار جمع‌آوری زکات بود نیز لزوم تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر را گوشزد نموده، به او فرمان دادند که فروتنی پیشه کن و از تکبر بپرهیز که خداوند فروتنان را بر می‌آورد و متکبران را خوار می‌گرداند."^۲

۳. فروتنی حاکمان به عنوان الگوی زیردستان

یکی از اصول اخلاقی قابل دریافت از سیره معصومین β ، تواضع و فروتنی ایشان است. تواضع و پرهیز از تکبر و خودبزرگ‌بینی حاکمان، عاملی مهم در ایجاد الگوی مناسب برای کارگزاران حکومت است.

"پیامبر اکرم α از روی فروتنی در برابر خداوند متعال مانند بردگان غذا می‌خوردند و مانند آنها می‌نشستند."^۳

"امام علی ۷ در سخنانی، خود را از گروهی می‌داند که برتری جویی ندارند"^۴ و مانند همه مردم بنده و مملوک خداوند متعال هستند.^۵ ایشان در دوران زمامداری خود شبانه به منزل فقرا می‌رفتند و ناشناس از آنها دلجویی می‌کردند. در مواردی هم که ناآگاهانه به خلیفه مسلمانان توهین و ناسزاگویی می‌شد، بدون هیچ تکبر و خود بزرگ‌بینی همه سخنان ناروا را می‌شنیدند و در برابر پروردگار به توبیخ نفس خود می‌پرداختند؛ چنانکه وقتی بیوه‌زنی که شوهر خود را در جنگ از دست داده بود، گفت که خداوند میان من و علی بن ابی طالب داوری کند. امام که ناشناس به آن خانواده خدمت می‌کردند، هنگام برافروختن تنور نان می‌فرمودند: "ای علی بچش! این است کیفر کسی که از بیوه زنان و یتیمان غافل بماند."^۶

"امام سجاده ۷ در حالی که بر مرکب سوار بودند، بر عده‌ای جذامی عبور کردند که غذا می‌خوردند، وقتی آنها، امام را به خوردن غذا با خود دعوت کردند، ایشان فرمودند که اگر روزه نبودند دعوت آنها را می‌پذیرفتند و وقتی به خانه خود بازگشتند دستور دادند سفره‌ای با خوراکی‌های متنوع و خوشمزه فراهم آورند و آن گروه جذامی را به میهمانی فراخوانده و با آنها هم غذا شدند. این رفتار بر فروتنی امام سجاده ۷ در برابر ضعیفان و مستمندان جامعه دلالت می‌کند."^۷

"امام رضا ۷ نیز در راه خراسان، روزی همه را بر سر سفره فراخواندند و غلامان ایشان از سیاه و غیر آن آمده بر سفره نشستند. مردی بلخی از ایشان خواست که سفره‌ای جدا برای خدمتکاران و غلامان انداخته شود، ولی امام ۷ با قاطعیت و در نهایت تواضع و فروتنی فرمودند:

ساکت باش! خدای همه یکی و مادر یکی و پدر یکی و پاداش هرکس بسته به کردار اوست."^۸

"فروتنی و تواضع معصومین β که بالاترین مراتب کمال را پیموده‌اند، بهترین روش برای انگیزش تواضع کارگزاران حکومت است. حضرت علی ۷، فروتنی پیامبران و اولیای الهی به عنوان خاصان درگاه احدیت را در نهج البلاغه، خطبه قاصعه، در نظر

۱- (همان، نامه ۵۳)

۲- (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷ ص ۷۱)

۳- (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸ ص ۱۳۱)

۴- (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴)

۵- (همان، خطبه ۲۰۷)

۶- (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲ ص ۱۱۵-۱۱۶)

۷- (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۱۲۳)

۸- (همان، ج ۸ ص ۲۳۰)

آورده " او خطاب به متکبران می‌فرماید:

"اگر خداوند اجازه کبر ورزیدن را به فردی از بندگانش می‌داد، به یقین اجازه آن را به پیامبران و اولیایش که از خاصان هستند، عنایت می‌فرمود. ولی خداوند پاک، تکبر را بر آنان نیز روا نداشت و فروتنی و تواضع را برای آن بزرگواران پسندید. "

۴. التزام به واجبات دینی؛ راه رهایی از تکبر

از راهکارهای پیشگیری از تکبر و خود بزرگ‌بینی التزام کارگزاران به عبادت و انجام فرائض دینی از جمله نماز، روزه و زکات است؛ چنان که مولای متقیان^۷ می‌فرماید:

"خداوند تبارک و تعالی بندگان با ایمان خود را از رذایل اخلاقی (از جمله تکبر) به وسیله نماز و زکات و تلاش برای روزه داری در روزهایی که واجب است، حفظ فرموده تا اعضا و جوارح آنان آرام و چشمانشان افتاده و خاشع و جانهایشان خوار و دل‌هایشان سبک شود و خودبینی از آنها بیرون رود. "

"حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز در خطبه فدک، دلیل تشریح نماز را پاکیزگی و رهایی از تکبر و خودخواهی بیان نمودند. "

پیشگیری از بی توجهی به اصل مشورت

"الف) حاکمان و مسئولان حکومت اسلامی باید با رویکرد مناسب خود - چه در بعد نظری و چه عملی - از بروز این آسیب در کارگزاران جلوگیری کرده و خود نیز پیوسته با رجوع به آموزه‌های اسلامی و اقتدا به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم) مشورت با صاحبان خرد و پرهیز از استبداد رأی را سرلوحه امور خویش قرار دهند. "

"بعد نظری رویکرد حاکمان و مسئولان، شامل توصیه ایشان به کارگزاران مبنی بر لزوم مشورت با افراد با صلاحیت و پرهیز از استبداد رأی و نیز توجه دادن به سیره پیشوایان معصوم^۸ و تعالیم قرآنی می‌شود؛ چنانکه حضرت علی^۷ در توصیه به مالک اشتر به همنشینی با عالمان و دانشمندان و مشورت با ایشان در اداره امور سفارش کرده^۹، می‌فرماید:

"وَ أَكْثَرُ مَدَارِسَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَافَتَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ. "

و درباره استوار ساختن آن چه کار شهرهای تو را منظم گرداند و بر پا داشتن آنچه مردم پیش از تو بر پا داشته بودند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با درست‌کرداران گفتگو کن.

"ایشان^۷ در جایگاه‌های مختلف بر لزوم مشورت تأکید نموده و به فراخور موقعیت پیش آمده از نظرات مردم و یا متخصصان و نخبگان استفاده می‌نمودند. "^{۱۰} افزون بر این در آیات قرآن^{۱۱} و سیره نبوی^{۱۲} نیز بر مشورت با متخصصان در اداره امور تأکید شده است که می‌تواند در ایجاد روحیه مشورت خواهی در کارگزاران اثرگذار باشد.

"حاکمان و مسئولان نیز باید از مشورت صاحبان خرد و متخصصان کارآمد استفاده نموده و خود الگوی مناسب برای زیردستان

۱- (فاتق، ۱۳۹۷ ش، ص ۶۸)

۲- (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴)

۳- (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴)

۴- (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱ ص ۴۹۹)

۵- (فاتق، ۱۳۹۷ ش، ۱۳۰)

۶- (همان)

۷- (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۸- (نهج البلاغه، نامه ۵۰)

۹- (آل عمران: ۱۵۹؛ الشوری: ۳۸)

۱۰- (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱ ص ۴۸)

خویش باشند؛ چنان که از سیره نبوی قابل دریافت است، پیامبر α در جنگ‌های مختلف از آرای اصحاب استفاده کرده و در برخی موارد با وجود این که نظر یاران خلاف رأی ایشان بود، به آن عمل می‌نمودند. "افزون بر این همان‌گونه که اشاره شد مولای متقیان γ نیز در موقعیت‌های مختلف از جمله پیش از عزیمت به سوی شام با عده‌ای از مهاجر و انصار مشورت کردند که این مطلب بر اهتمام آن حضرت γ نسبت به استفاده از آرای مشاوران متخصص و نخبگان دلالت دارد. "

شیوه مواجهه با اشرافی‌گری

راه مقابله با اشرافی‌گری کارگزاران حکومت دارای وجوه مختلفی است؛

۱. یکسان سازی بهره‌مندی افراد از بیت‌المال؛ "پیامبر اکرم α غنیمت‌های جنگ بدر را میان همه برابر تقسیم نمودند که این رویکرد برای برخی از جمله سعد بن ابی وقاص ایجاد سؤال کرد. رسول خدا α در پاسخ او پیروزی سپاه اسلام را مدیون ضعیفان و پیادگان دانستند و بر تقسیم برابر تأکید کردند. "امام علی γ نیز برای همگان سهمی برابر از بیت‌المال مقرر فرمودند تا اختلاف طبقاتی جامعه آن روز که در نتیجه رویکرد نادرست خلیفه دوم و سوم ایجاد شده بود، از بین برود. "

۲. قاطعیت در مقابله با اشراف و تلاش در بازگرداندن حقوق مستضعفان؛ "وقتی طلحه و زبیر سهمی بیشتر از بیت‌المال طلب و چگونگی تقسیم آن در دوران خلیفه دوم را به امام علی γ گوشزد کردند، ایشان با قاطعیت رجوع به سنت نبوی α او را ملاک عملکرد خود بیان نموده و در مقابل زیاده‌خواهی آن دو ایستادند. "افزون بر این حضرت γ وقتی با درخواست ولید بن عقبه مبنی بر لحاظ نکردن دارایی‌هایی که در دوران خلیفه سوم به او و دوستانش بخشیده شده بود، مواجه شدند، بر بازگردانی حقوق از دست رفته تأکید کردند. "در همین راستا ایشان γ در جهت بازگرداندن حقوق نیازمندان و قاطعیت در برابر اشراف و متمولین به شریح قاضی سفارش می‌کنند، حقوق مردم را از توانگرانی که در پرداخت آن کوتاهی می‌کنند با جدیت پس بگیرد. گر چه برای این منظور املاک و خانه‌های آنها را گرفته و بفروشد. "

نتیجه‌گیری

حکومت مورد نظر امام علی γ از سه شاخص مهم «دینداری»، «عدالت» و «مردمداری» برخوردار است. از آنجا که امام علی γ به عدالت اجتماعی در حکومت اهتمام جدی داشت، یکی از راهکارهای عملی تحقق آن را، گزینش کارگزاران و مدیران شایسته در امور می‌دانست. علاوه بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از شایستگی لازم برخوردار باشند.

۱- (همان)

۲- (منقری، ۱۳۸۲ق، ۹۲)

۳- (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱ ص ۱۱۱)

۴- (یعقوبی، ۱۹۶۰م، ج ۲ ص ۱۵۳)

۵- (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱ ص ۳۸۴)

۶- (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ش، ج ۷ ص ۳۸-۳۹)

۷- (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵ ص ۳۸۵)

او علاوه بر اینکه در انتخاب کارگزاران از جنبه صلاحیتی و مدیریتی حساسیت نشان می‌داد، نظارت خاصی را نیز بر اعمال آنها، در زمانی که متصدی امور بودند، به کار می‌بست. به تخرافات آنها به سرعت رسیدگی می‌نمود و ایشان را نسبت به عملکرد نادرست بازخواست، سرزنش و توبیخ می‌کرد. قبل از اعزام والیان به شهرها، در باره چگونگی رفتار و سلوک آنها با مردم و مشی والی‌گری، سفارش‌ها و توصیه‌های لازم را به ایشان می‌نمود و در نامه‌هایی که به عاملان خود می‌نگاشت آیین مدیریت اسلامی را برای آنها تبیین می‌کرد.

نمونه مفصل این دستورالعمل در نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه معروف به «عهدنامه مالک اشتر» آمده که منشوری است از شیوه حکومت‌داری امیرالمؤمنین^۷ و روح این فرمان بر اساس «عدالت اسلامی» قرار دارد. بیش از سی نامه از هفتاد و نه نامه حضرت امیر در نهج البلاغه به کارگزارانی نوشته شده که از جانب او در شهرهای مختلف به کار گماشته شده بودند، از قبیل فرمانداران، مرزداران، فرماندهان سپاه، مأموران خراج و زکات و سایر کارگزاران.

با ملاحظه متن نامه‌ها، به خوبی می‌توان دریافت که ایشان چگونه به امور مردم و امنیت آنها اهتمام داشته و از اینکه عاملان او در حوزه اختیار خود مرتکب خطا و انحراف شوند نگرانی داشته است. زیرا از نظر وی، "بزرگترین خیانت، خیانت به اَمّت است" و همت آن امام بر آن بود تا مردم در حکومت او از ناحیه کارگزاران و مسؤولان امور در امنیت به سر ببرند.

تمرکز، تدبیر و درایت‌های حکومت نبوی و علوی که در انتخاب کارگزاران و سپس نظارت بر عملکرد آنان به خرج می‌دادند، حاکی از آن است که اعطای مسئولیت به افراد نالایق و یا واگذاری آنان - حتی صالح و متعهد - به حال خود و عدم نظارت بر آنان، نتیجه‌ای جز فروپاشی و زوال تدریجی حکومت را در پی نخواهد داشت اگر، حضرت علی^۷ در برابر بی‌عدالتی‌ها، جاه‌طلبی‌ها، ثروت‌اندوزی‌ها و ستمکاری‌های بعضی از کارگزاران خود عکس‌العمل شدید نشان می‌دهد، به خاطر آن است که می‌داند بی‌توجهی به این مسائل، برافروختن آتشی است که در درجه اول دامن خود کارگزاران و در نهایت حکومت را فرا خواهد گرفت. پس باید نتیجه گرفت که رفتار و عملکرد کارگزاران، تأثیر مستقیمی بر ثبات نظام‌های سیاسی دارد.

اگر مجموعه شاخص‌ها و بایستگی‌هایی که حضرت^۷ در مورد کارگزاران خود بر آنها تأکید کرده‌اند، در حکومتی مجتمع باشد و از طرفی نظارت مستمر جهت تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم حاکم باشد، یقیناً می‌توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است که تنها در این صورت است که مردم به این‌گونه نظام‌ها روی می‌آورند و تداوم آن را می‌خواهند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، قم.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، علی بن حسین، ۱۳۶۲ش، الخصال، جامعه مدرسین، قم.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، علی بن حسین، ۱۳۷۶ش، الامالی، کتابچی، تهران.

۱ - (نهج البلاغه، نامه ۲۶)

۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الاسلام، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ق، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، جامعه مدرسین، قم.
۸. ابن شهر آشوب، مشیرالدین ابی عبدالله محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم.
۹. آمدی، عبدالواحد التمیمی، ۱۳۶۶ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۶۲ش، شرح نهج البلاغه، دفتر نشر کتاب، بی مح.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، قم.
۱۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۴۱۰ق، الغارات، دار الکتب الاسلامی، قم.
۱۳. ثنایی فر، محمد، ۱۳۹۳ش، حکایت حکومت، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ هـ و سایل الشیعہ، ناشر مؤسسه آل البيت، قم.
۱۵. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۳۴۳ق، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب الی الصواب، ناشر الشریف الرضی، قم.
۱۷. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۹۱ هـ. ش، حکومت دینی، ناشر دفتر نشر معارف، قم.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر المرتضی، مشهد.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، المكتبه الحیدریه، نجف الاشرف.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، دار الثقافه، قم.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۲. فائق، مجتبی، ۱۳۹۷ هـ. ش، آسیب شناسی کارگزاران از دیدگاه نهج البلاغه، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، تهران.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران.
۲۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۵۰ش، فرهنگ فارسی معین، چاپخانه سپهر، تهران.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الامالی، کنگره شیخ مفید، قم.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الاختصاص، کنگره شیخ مفید، قم.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم.

۲۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الجمل و النعرة لسيد العترة في حرب البصرة، كنگرة شيخ مفید، قم.
۳۰. مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰ق، امتاع الاسماع، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۳۱. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق، وقعه صفین، المؤسسة العربیه الحدیثه، القاہرہ.
۳۲. میر مدرس، سید موسی، ۱۳۸۰ش، جامعہ برین، بوستان کتاب، قم.
۳۳. نراقی، احمد، ۱۳۷۷ش، معراج السعاده، هجرت، قم.
۳۴. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الطبعة الثانية، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
۳۵. واعظی، احمد، ۱۳۷۷ش، جامعہ دینی جامعہ مدنی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه های اسلامی، تهران.
۳۶. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۳۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۹۶۰م، تاریخ الیعقوبی، دار صادر، بیروت.